

## تکلیف‌گرایی

### (۱) تعریف تکلیف‌گرایی

انجام تکلیف گاهی از سر ترس و گاهی از سر سنجش عقلانی و گاهی از سر شوق است. اولی، تکلیف‌گریزی، دومی، تکلیف‌پذیری و سومی، تکلیف‌گرایی است.

#### ۱/۱- تکلیف‌گریزی

تکلیف‌گریزی آن است که فرد، تکالیف و وظایف خود را از سر ترس انجام می‌دهد و به دنبال بهانه‌ای برای ترک و فرار از انجام آن می‌باشد. (چون دنبال بهانه برای انجام ندادن است نام آن تکلیف‌گریزی است)

#### ۱/۲- تکلیف‌پذیری

تکلیف‌پذیری آن است که دستورات الهی، مبنای عمل قرار گیرد و فرد ابتدا روحیه شناخت تکلیف را در خود ایجاد نماید و به دنبال شناخت تکلیف باشد و پس از شناخت آن هیچ ملاحظه‌ای مانع او از عمل به تکلیف نشود.

#### ۱/۳- تکلیف‌گرایی

تکلیف‌گرایی آن است که فرد انجام تکالیف و وظایف را تنها راه وصول به محبوب بداند و کتاب آسمانی و دستورات آن را جز دعوت نامه محبوب و معشوق نبیند. از این رو با شوق و اشتیاق در راه آرمان و ادای تکلیف از مال و جان خود بگذرد.

تکلیف‌گرایی عبارت است از: شناخت دستورهای الهی در مرحله‌ی نخست، عمل کردن به آن‌ها در مرحله‌ی دوم، و پذیرش سختی تکلیف‌ها، با شوق و رغبت، برای رسیدن به تعالی انسانی در مرحله‌ی سوم.

### (۲) اصطلاحات و واژه‌های قرآنی

در قرآن کریم اصطلاحات و تعبیرهایی وجود دارد که موضوع و روحیه‌ی تکلیف‌گرایی را می‌توان از آن‌ها برداشت کرد، نظیر:

#### ۲/۱- تقوا

تقوا به معنای ملکه و روحیه‌ای است که انسان را به فرمان‌برداری مطلق از خدا و رعایت ضوابط و دستورهای دینی مدیریت و هدایت می‌کند.

و لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ -

و ما به کسانی که پیش از شما به آن‌ها کتاب آسمانی داده شده بود و نیز به شما سفارش کردیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید». (نسا/۱۳۱).

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی خطاب به پاسداران می‌فرماید:

«باید توجه کنید آن چیزی که شما را از یک ارتش مجهز مدرن مجرب از همه جهت کامل، لیکن بی‌ایمان، ممتاز می‌کند ایمان و تعبد است؛ یعنی اعتقاد به غیب و تأثیر فعل و انفعالات غیبی که در اختیار من و شما نیست و راه رسیدن به آن و کلید رمزش عبارت از تقواست؛ یعنی عمل کردن به تکلیف شرعی». (۶۹/۶/۲۹)

## ۲/۲- اطاعت از خدا

یکی دیگر از واژه‌های قرآنی که کاربرد فراوانی دارد، و دعوت به تکلیف‌گرایی می‌کند، واژه اطاعت و مشتقات آن است. در آیات فراوانی از قرآن از مؤمنین فرمان‌برداری و اطاعت خدا و رسولش خواسته شده، و ثمره‌ی آن را فوز عظیم و رستگاری اخروی قرار داده است:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است». (احزاب/۷۱)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نامه به حارث همدانی می‌فرماید:

### ۳) تکالیف الطاف الهی است

تکالیف و باید و نبایدهای فقهی و اخلاقی بزرگ‌ترین لطف و عنایت الهی به مؤمنان است.

در حدیث قدسی آمده است: «بنده به چیزی محبوب‌تر از آن‌چه بر او واجب کرده‌ام، به من تقرب نمی‌جوید، و به وسیله‌ی نافله (مستحبات) [هم] به من تقرب پیدا می‌کند، تا آن‌جا که من او را دوست می‌دارم، و هنگامی که او را دوست داشتم، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و زبان او می‌شوم که با آن صحبت می‌کند، و دست او که با آن (چیزی را) می‌گیرد. اگر مرا بخواند اجابتش می‌کنم، و اگر از من چیزی بخواهد به او عطا می‌نمایم».<sup>۱</sup>

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده‌اند: «تمام تکالیف الهیه، الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است، همه‌اش الطاف است، چه تکالیف فردی که برای هر فردی هست برای تربیت او، برای تکمیل او، برای این‌که غیر از این راه، راه تکمیل و راه ترقی نبوده است، درجاتی هست که بدون این راه نمی‌شود به آن درجات رسید. چه تکالیف اجتماعی که ما مکلف هستیم، در اجتماع تکالیفی داریم و باید به آن تکالیف عمل کنیم برای تنظیم این اجتماع».<sup>۲</sup>

### ۴) برخی راهکارهای تقویت‌کننده‌ی تکلیف‌گرایی

#### ۴/۱- انس با قرآن و تدبر در آیات آن

هر مقدار تدبر در آیات قرآن عمیق‌تر گردد، روح و جان آدمی نورانیت و صفا و آمادگی بیشتری می‌یابد. پیامبر اعظم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «هم‌چنان که آهن زنگ می‌زند، این قلب‌ها هم زنگار می‌گیرد. سؤال شد: ای رسول خدا! پاک‌کننده‌ی قلوب چیست؟ حضرت فرمود: تلاوت قرآن».<sup>۳</sup>

#### ۴/۲- محبت الهی

انسان، هرکس و هرچه را دوست داشته باشد، می‌کوشد که به سوی آن حرکت کند و انسان عاشق، تنها وصال و خشنودی معشوق را دنبال می‌کند نه چیز دیگری را.

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ - بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا نیز شما را دوست بدارد». (آل عمران/۳۱)

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «نشانه‌ی محب این است که محبوب خود را بر هر چه غیر اوست ترجیح می‌دهد».<sup>۴</sup>

## ۴/۳- همراهی و هم‌نشینی با بندگان سالک راه هدایت

قرآن با توجه به نقش فوق‌العاده همنشین، به دوری از غافلان امر کرده و می‌فرماید: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا - از کسی که از یاد ما رو گردانده و جز زندگی دنیا را نخواسته، اعراض کن». (نجم/۲۹)

## ۴/۴- تکلیف‌شناسی صحیح و به موقع

قبل از عمل باید حکم و مطالبه‌ی شرعی شناخته شود، به‌ویژه که تغییر موقعیت‌ها و اقتضائات زمانی و مکانی تکالیف فردی و اجتماعی را متفاوت می‌کند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عالم زمان شناس دچار شبهه و شک نمی‌شود».<sup>۵</sup>

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز می‌فرماید:

«آنچه مهم است، این است که انسان وظیفه‌ی خودش را در هر برهه‌ای از زمان تشخیص بدهد. اگر وظیفه تشخیص داده نشد، علم و تقوا و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد، یعنی بجا مصرف نمی‌شود. اگر علم داشته باشیم، تقوا هم داشته باشیم، حتی شجاعت هم داشته باشیم، اما ندانیم وظیفه‌ی ما چیست، ندانیم موقعیت کدام است، ندانیم امروز مطالبه‌ی خدای متعال و مطالبه‌ی دین از ما در عرصه‌ی اجتماع چیست، آن علم و تقوا و شجاعت و بقیه‌ی خصوصیات مثبت اثر خودش را نمی‌بخشد و کارکرد لازم را نخواهد داشت».<sup>۶</sup>

## ۴/۵- یادآوری:

تغییر وضعیت و اقتضائات زمانی و مکانی و موقعیت‌های متفاوت، تکالیف‌های خاص و متفاوتی را ایجاب می‌کند، همین‌طور افراد به لحاظ مسئولیت‌های اجتماعی و سازمانی افزون بر تکالیف‌های عمومی، تکالیف‌های ویژه‌ای نیز دارند که باید آن‌ها را به خوبی بشناسند و ملتزم به رعایت آن باشند.

مقدمه عمل به تکلیف شناخت آن است مادامی که شناخت به تکلیف حاصل نشود عمل به آن هم یافت نمی‌شود مؤمن در مرحله اول باید در شناخت به تکلیف دغدغه داشته باشد و با شناخت درست تکالیف الهی و عمل به آن‌ها رشد می‌کند و به خداوند نزدیک می‌شود.

به‌عنوان مثال برخی از تکالیف شوهر در منزل عبارت است از: سرپرستی و مدیریت، تأمین هزینه زندگی، توسعه بر خانواده، تعادل نیازهای جنسی و غیرت در حالی که تکالیف زن شامل: شوهر داری (تمکین، اطاعت، سازگاری، آراستگی و...) و نقش مادری می‌گردد.

البته در این امور توجه به حدیث زیر بسیار راه‌گشا خواهد بود:

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید:

«پسرم! خود را میزان بین خود و دیگران قرار بده، بنا بر این آن‌چه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار، و هرچه برای خود نمی‌خواهی برای دیگران هم مخواه و به کسی ستم مکن چنان‌که دوست داری به تو ستم نشود».<sup>۷</sup>

و یا این‌که والدین نسبت به فرزندان تکالیف ویژه‌ای دارند:

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در رابطه والدین - کودک دو مسئله مهم وجود دارد: پذیرش از سوی والدین<sup>۸</sup> و نظارت بر کودک. به‌نظر می‌رسد از این دو عامل، پذیرش از سوی والدین مهم‌تر است. در آموزه‌های اسلامی نیز بر لزوم توجه به ابراز عواطف مثبت والدین با فرزندان تأکید شده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «هر کس که کودکی نزد او هست باید برایش کودکی کند».<sup>۹</sup>

---

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۴

۲. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۵۶

۳. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، همان، ج ۸، ص ۸۱.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۶۷، ص ۲۲.

۵. محمدبن یعقوب الكليني، الکافی، همان، ج ۱، ص ۲۷.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۶/۱۶.

۷. نهج البلاغه؛ نامه ۳۱

۸. والدین باید کودک و نوجوان را آن گونه که هست بپذیرند و به فرزند به عنوان یک شخص مستقل احترام بگذارند و برای او به عنوان یک انسان با توانایی ها خاص خود، ارج و ارزش قایل شوند. برخی روان شناسان حتی توجه عاطفی مثبت و بی قید و شرط نسبت به فرزند را اساس رابطه با او معرفی کرده اند. انسان از کودکی نیاز به توجه عاطفی مثبت دیگران دارد، آنچه مهم است استمرار این توجه عاطفی مثبت است؛ زیرا والدین معمولاً به فرزند خود این توجه عاطفی مثبت را دارند، ولی به تدریج این توجه مثبت به رفتارهای خاصی از فرزند مشروط می شود و دوستی و عواطف مثبت خود را مشروط به خوب بودن رفتار کودک می کنند در آن صورت، این تلقی برای کودک شکل می گیرد که گویا تمام شخصیت او پذیرفته نشده است. والدین هنگام تعامل با کودک باید گرم و آرام صحبت کنند و از تحسین و تشویق به موقع و مناسب دریغ نورزند. از این نوع گرمی و ملاطفت در برخوردهای رسول گرامی اسلام صلی الله وعلیه وآله وسلم فراوان دیده می شود.

۹. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۳.